دایره فهرست نویسی

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

 تیرماه93

کیهان فرهنگی

شناسنامه

مکان مصاحبه: دفتر کیهان فرهنگی

تاریخ جلسه:

پیاده ویراست: کیهان فرهنگی

فهرست:

تاریخ فهرست نویسی:

صفحه آرایی و طرح جلد:

مجله كيهان فرهنگي در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام كشوري از اين الگو، ويژگي‌هايش و چگونگي شناساندن آن به نهادها، صاحبنظران و مردم سخن گفته است. شنيده‌ايم كه شما پيگير طرحي با عنوان «نقشه راه توليد الگوي پيشرفت اسلامي - ايراني»هستيد‌. در اين زمينه توضيحاتي بفرماييد‌.

براي تبيين ويژگي هاي نقشه راه پيشنهادي- توليد الگوي پيشرفت اسلامي- يك مقدمه را بيان مي كنم: انقلاب اسلامي براي دستيابي به مهمترين مسئله‌ خود-كه تئوريزه كردن تفصيلي اداره جامعه بر مبناي دين است - با موانعي روبروست. محور موانع انقلاب در اين موضوع، يكسان انگاري پيشرفت اسلامي و توسعه غربي توسط نخبگان است. به عبارت ديگر اگر بخواهيم یک فعالیت پژوهشی ملي را در راستای دستیابی به الگوي پیشرفت اسلامی دنبال کنیم به دليل نو بودنِ نظام‌سازي اسلامي -كه نتيجه اش توليد الگوي پيشرفت اسلامي است- نتيجه كار ممكن است به سمت توسعه انحراف پيدا كند.اگر بخواهم ساده‌تر بحث را مطرح کنم باید بگویم که الان جامعه علمی ما فکر می‌کند پیشرفت اسلامی همان توسعه است؛ البته با تغييراتي!! اين در حالي است كه ماهیت الگوی پیشرفت اسلامی به کلی با توسعه غربی(Development) متفاوت است‌. اگر در اين شرايط كه جامعه علمي، توسعه و پيشرفت اسلامي را یکسان می‌پندارد طرحي را برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی‌ دنبال كنيد. چه خطری پیش می‌آید؟ خطري كه خیلی ظریف است؛ ممکن است به اسم الگوی پیشرفت اسلامی توسعه را رنگ کنند و به ما بدهند، يعني یک نوع توسعه را بگذارند جلوی ما و بگویند این هماني است که انقلاب به دنبالش بود‌.در نقشه راه توليد الگوي پيشرفت اسلامي ما روی اين موضوع متمرکز شده ایم؛ به عبارت ديگر از یک طرف تولید الگوی پیشرفت اسلامی کار یک نفر نیست و باید همه بضاعت علمی کشور در حوزه و دانشگاه و همه نهادها به کار گرفته بشود، تا ان‌شاءالله در یک آینده میان مدت، یا بلند مدت الگوی پیشرفت اسلامی به‌تدریج تولید و عملیاتی بشود، اما از طرف ديگر وقتی می‌خواهید همه را به کار بگيريد توسعه را پيشرفت اسلامي انگاشتن خطر اصلي پيش روي ماست. اگر اسناد بین‌المللی را در زمینه توسعه مطالعه بفرمایید متوجه اين سخن مي‌شويد. من به یکی از آن‌ها اشاره کنم: يكي از اين اسناد، گزارش‌هایی است که سالانه بانک جهانی تحت عنوان WDI (شاخص های جهانی توسعه) منتشر می‌کند. این مرکز بین المللی شاخص‌های جهانی توسعه را در شش بخشِ جهان‌نما، جمعيت، محيط‌زيست، اقتصاد، ملّت‌ها و بازارها طبقه بندی می‌کند. در این شش بخش در مجموع 800 شاخص را معرفی مي‌كنند.(1) به عنوان مثال در اين گزارش میزان زایمان زیر نظر پزشک، ابتلای به ایدز، استفاده از تلفن همراه و استفاده کاربران خانگی از اینترنت جزو شاخص های توسعه معرفي شده است. شاخص هاي توسعه در اين گزارش به صورت تفصيلي تبيين شده است. دانشمندان ما با اين درك از توسعه آشنايند، حال اگر از اين دانشمندان تقاضا کنید که در تولید الگوی پیشرفت اسلامی‌ مشاركت كنند. چه اتفاقی می‌افتد؟ جوابش روشن است؛ ممکن است ايده اجمالي جمهوري اسلامي‌ـ الگوي پيشرفت اسلامي‌ـ در درك تفصيلي توسعه منحل بشود و به نام پیشرفت اسلامی ما به سمت توسعه یافتگی‌ برويم.پس خطری که مجموعه فعالیت‌های کشور در دستیابی به الگوی پیشرفت اسلامی را تهدید مي کند خطر انحلال مفهوم پیشرفت اسلامی در توسعه غربی است‌. با توفيق خدای متعال با به‌كارگيري جدول شماره يك گفتمان عدالت و پيشرفت جلوی این انحراف تا حدود زيادي گرفته مي شود، این مبنای طرح ماست‌. پس یکسان انگاری توسعه و پیشرفت اسلامی خطر است و جدول شماره يك گفتمان عدالت و پيشرفت راه جلوگیری از این خطر. ان شاءالله

س: جرقه این دید اجمالی كجا ‌ زده شده و شکل گرفته است؟

ج: در طول سال‌های طلبگی موضوع و توجه اصلی براي دوستان ما مسئله انقلاب بود؛ البته اين حساسیت ایدئولوژیک و اعتقادی همیشه در طلبه ها و در حوزه‌هاي علمیه وجود دارد که به نام اسلام مسائل التقاطی ارائه نشود‌. ما هم مثل بقیه طلبه ها همیشه حساس بوده‌ایم که اگر الگويي قرار است مطرح شود استنادش به اسلام و وحی تمام باشد‌. بنا، بر اين است كه استناد برنامه‌ها و طرح‌هاي پيشنهادي در كشور به اسلام باشد؛

س: منظور ما از پرسش اين است كه جرقه «نقشه راه توليد الگوي پيشرفت اسلامي‌ـ ايراني» كجا و توسط چه كساني زده شده است؟

ج: در ادامه می‌خواستم همین را عرض کنم. فارغ از حساسیت‌هاي روانشناسانه که همیشه در همه طلاب وجود دارد یک مجموعه شرایط اجتماعی در پرورش نقشه راه توليد الگوي پيشرفت اسلامي و مجموعه حرکت‌های انقلاب نيز در تدوين اين جدول موثر بوده است. البته اگر بخواهید ریشه هر تحولی را در جامعه اسلامی ایران پیگیری کنید یکی از متغیر‌های اصلی‌اش انقلاب و ادبیات انقلاب است. مسئله ما در اين نقشه راه هم، از ناحيه ادبيات انقلاب مطرح شده است، يعني ما آفات اداره كشور با Development و ساير الگوها را خيلي خوب می‌فهمیم‌. یک وقت سر کلاس‏،دانشجویی دورانی را می‌گذراند و کتاب هایی را می‌خواند بعد به صورت نظری مسلط می‌شود و می‌گوید توسعه براي ارزش‌های اسلامی مضر است. ولی غیر از آن مباحث نظری که باید بحث شود 30 سال تجربه عملی انقلاب‌ پيش رويمان است. بازخواني اين تجربه‌ها پايه اين نقشه راه است.

س: تجربه‌هايي كه الان بر روي كاغذ آمده چيست؟

ج: بعد از اين كه جنگ تمام شد و امام عظيم‌الشأن به رحمت خدا رفتند ما براي اداره كشور تجربه دوران سازندگي را داريم كه امروز پيش روي ماست و البته با اجازه شما مي‌خواهم سؤال را به سمت مباحث نظري نبرم. چرا؟ چون اگر از ما بخواهيد كه استدلال‌هاي نظر‌مان در مخالفت با توسعه را مطرح بكنيم اين مسأله يك ترم دانشگاهي وقت مي‌خواهد و در يك مصاحبه نمي‌گنجد. ولي اگر شما تجربه دوران سازندگي را ببينيد و اين كه يكي از شاخص‌هاي اسلامي مساله عدالت و مستضعفين است مي‌توانيم فعاليت‌هايي كه در دوران سازندگي ذيل شعار سازندگي انجام شد، را بر اساس شاخص عدالت ارزيابي كنيم. اين شعار، شعار درستي بود ولي آيا نحوه برنامه‌ريزي- كه به سمت توسعه غربي رفت- به نفع مستضعفين و تحقق شعار عدالت بود، يا برعكس ؟ عدالت يكي از شعارهاي اصلي انقلاب است، ما در دوران سازندگي به سمت تشديد فاصله طبقاتي و تضعيف بيشتر مستضعفين رفتيم. اصطلاحي از دوران سازندگي باب شد تحت عنوان «اقشار آسيب‌پذير». يعني نه تنها نخواستند به سمت عدالت بروند‌ـ كه بر اساس الگوي غربي به سمت عدالت نمي‌توان رفت‌ـ بلكه عدم تحقق شاخص‌هاي انقلاب تئوريزه شد! لذا يكي از عواملي كه باعث شد انقلاب و نيروهاي انقلاب به اين نتيجه برسند كه ما نياز به الگوي پيشرفت اسلامي داريم تجربه دوران سازندگي است. تجربه دوران اصلاحات را هم مي‌توانيد اضافه كنيد تا بحث دقيق‌تر شود. در دوران اصلاحات تلاش شد تا از الگوهای غربی برای اداره کشور در بخش سیاسی هم استفاده شود‌. شعار توسعه سیاسی و تلاش برای دموکراتیزه کردن ساختار جمهوری اسلامی‌ـ که رسماً توسط نظريه پردازان آن دوران (بعضی از شخصیت‌هایشان) مطرح شد‌ـ در جامعه مبناي فعاليت اصلاح طلبان قرار گرفت. آن‌ها می‌گفتند که ما مثل دوران سازندگی فقط بخش اقتصاد را بر مبنای الگوی سرمایه‌داری اداره نمي‌کنیم؛ بلكه حرف‌های سیاسی غرب را هم حرف‌های نو و به‌روزی مي‌دانيم‌. آن‌ها این طور می‌گفتند‌؛ اين مباحث را آوردند و تجربه‌ای براي نظام بر اين اساس شکل گرفت‌. ما بازخواني اين تجربه‌ها را در فهم مسئله الگوی پیشرفت اسلامی‌ مؤثر مي‌دانيم.

س: با استناد به گفته شما مبني بر اين كه بحث در اين زمينه نيازمند زماني طولاني است، مايليم مصاديقي از آن چه شما در الگوي توسعه اسلامي‌ـ ايراني پيگيرش هستيد، بدانيم.

ج: جدول مباحث ما -كه نامش «جدول شماره 1 گفتمان عدالت و پيشرفت» يا «جدول موضوعات انتقال نظام»است- نقشه راهي است كه بخش‌هاي مختلف جامعه بر اساس آن مي توانند نقشي را در توليد الگوي پيشرفت اسلامي ايفا كنند؛ بنابراين آن چه الان پيشنهاد ماست نقشه راه توليد الگوي پيشرفت اسلامي است، آن هم نقشه راه مرحله پيدايش آن؛ نه نقشه راه تكامل يافته‌اش. بايد از مرحله پيدايش كار را شروع كرد.

س: آيا اين نقشه راه مرحله پيدايش دارد الان پيگيري مي‌شود؟

ج: پیش‌نویس سیزدهم «نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» تولید شده است و ما در مرحله معرفی این نقشه به نخبگان، مسئولان و مردم هستیم‌. داریم این نقشه را معرفی می‌کنیم. براي تبيين موضوع، فضای جنگ نرم را به فضای جنگ نظامی تشبيه مي‌كنم، در اين جدول یک مجموعه عملیات پيشنهاد شده است، ما حوزه را واحد اطلاعات و عملیات جنگ نرم مي دانيم. بر اساس اين نگاه نقشه‌ای را آماده و پیشنهاد نموده ايم. طبیعي است كه انتظار داريم ستاد هاي عمليات نظام روی اين نقشه بحث کنند‌. ممكن است از حيث هاي مختلف بر اين نقشه خدشه وارد شود ولي تقاضاي ما این است که نیروهای انقلاب و نهاد هایی که گرفتار مسئله جنگ نرم هستند و می‌خواهند برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی تلاش كنند، به این نقشه توجه نمايند. روح محوري و نقشه ما همان‌طور که عرض کردم این است که اگر بر اساسش عملیات بشود نخبگان ، مسئولان و مردم درکشان از تفاوت توسعه و پیشرفت اسلامی يك مرحله ارتقا پیدا می‌کند؛ اين اثر اول نقشه راه توليد الگوي پيشرفت اسلامي است. وقتي كه این درک ایجاد شد شما می‌توانید در مراحل تکاملی‌تر برنامه ریزی کنید و حرکت در تولید نهایی الگو‌ منطقي‌تر مي‌شود. ما عرضمان این است که سخن گفتن از تولید الگوی پیشرفته اسلامی با توجه به این‌که یک حرکت فراگیر است بدون ایجاد درک فراگیر نسبت به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی یک حرکت خیالی است و تا این درک ایجاد نشود هیچ طرح و نقشه‌ای در کشور به سرانجام نمی‌رسد‌. ما این‌جا را آسیب اصلی مي دانيم‌؛ لذا ایستاده‌ایم تا ابتدا اين مسئله حل شود. پس این یکی از موانعی است که شما سعی دارید پشت سر بگذارید‌. منتها فقط با این تأکید که اين یک مانع، مادر همه موانع است؛ جامعه علمی ما نمی‌داند كه می‌خواهد برای تولید چه چیزی حرکت کند‌. به تعبیر امام خامنه‌ای طلسمی در یکسان‌انگاری توسعه و پیشرفت اسلامی‌ وجود دارد (2) و اگر این طلسم شكسته نشود خروجی تلاش برای توليد الگوی پیشرفت اسلامی ‌می‌شود یک الگوی توسعه‌. چه طور می‌خواهید این طلسم را بشکنید؟ از اين‌جا وارد بحث خود جدول مي‌شويم. تا اينجا به مدد سوالاتي كه مطرح كرديد يك تبيين اجمالي از مسئله شد و اين كه نياز داريم حركتي را شروع كنيم. يعني ما عرضمان اين است كه اگر اين طلسم را نشكنيم ظاهرا جامعه براي اين موضوع همايش‌هايي برگزار مي‌كند و ممكن است بعدها سفارش كتاب‌هايي هم به حوزه و دانشگاه داده شود. حوزه و دانشگاه يك سري متون هم بنويسند، حتي دوره‌هاي دكتري هم راه بيفتد و بعدها در تصميم‌سازي برنامه‌هاي توسعه كشور هم از اين ايده‌ها استفاده بشود. ولي همه حرف ما اين است كه چون درك روشني از الگوي پيشرفت اسلامي وجود ندارد، تلاش‌ها در مرحله نقشه راه توليد الگو به سمت توسعه منحرف مي‌شود. اين جدول «موضوعات انتقال نظام» يا همان جدول شماره يك گفتمان عدالت و پيشرفت جلوي اين خطر را به فضل الهي و به مدد الهي خواهد گرفت.

س: آيا اين جدول در حال حاضر اجرايي است؟

ج: بله. براساس اين جدول مثلا شما مي‌توانيد يك سري كارها را در قوه قضاييه شروع كنيد. يك سري كارها را در مجلس يا در دولت، حوزه، دانشگاه و ....

س: آيا با نهادهايي كه نام برديد ارتباط داشته‌ايد؟

ج: بله.

س: يعني زمينه‌هاي پذيرش آن ايجاد شده است؟

ج: ما تازه در قدم‌هاي اوليه كار هستيم. يعني بعد از آن مطالعات ده ساله‌اي كه قبل از نوشتن اين جدول بوده و نوشتن اين جدول كه 4 سال طول كشيده است در آغاز تفاهم روي اين موضوع هستيم.

س: به هر حال، مي‌توان گفت يك گام برداشته‌ايد.

ج: آن يك گام، مبتني بر اين مسئله است. ممكن است مخاطب ما در حوزه و دانشگاه اين را قبول نداشته باشد و بگويد مسئله الگوي پيشرفت اسلامي اصلا چيزي در حد ساخت يك تمدن جديد نيست!! گاه شما الگوهاي توسعه را موضوع انتقال به ساخت تمدن مدرن در كشور مي‌دانيد. الگوي توسعه ابزار مدرنيزاسيون است. اگر كشوري بر اساس الگوي توسعه عمل كند از عدم توسعه به توسعه‌يافتگي تغيير پيدا مي‌كند. يك وقت الگوي توسعه را در اين سطح مطرح مي‌كنيم، البته عده اي دركشان از توسعه مثلا به معناي افزايش GDP و افزايش ارزش افزوده است! من احساس نمي‌كنم اساتيد دانشگاه يا علماي حوزه (آن‌ها كه در بحث مسلط هستند) موضوع توسعه را به افزايش توليد كشور يا مثلاً توليد يك سري محصولات منحصر يا محدود بدانند. مسئله اصلي توسعه و الگوهايش ساخت يك تمدن است. حالا وقتي شما مي‌گوييد الگوي پيشرفت اسلامي يعني ابزار ساخت تمدن اسلامي. اگر كسي الگو را در اين سطح قبول نداشته باشد، يعني اصلا مدعي تقابل انقلاب و مدرنيته نبوده است، طبيعتاً با چنين افرادي سخن گفتن از الگوي پيشرفت اسلامي- به معنايي كه گفتيم- و «جدول موضوعات انتقال نظام» مفيد نيست. چنين افرادي به دنبال الگوي مالزي و تركيه و... هستند. يعني نام اسلام را به الگوي مورد نظر خود مي‌چسباند و مي‌گويند كه اين همان الگوي پيشرفت اسلامي است. همان‌طور كه گفتيم‌ايده محوري‌ انقلاب قبل از ظهور، ساختن تمدن نوين اسلامي است. البته ممكن است عده اي معناي تمدن نوين اسلامي را فعلا متوجه نشوند؛ براي تبيين اين موضوع مثالي عرض مي كنم: مي‌گويند اديسون وقتي كه مي‌خواست لامپ را بسازد و ارائه بكند آن روز الگوي مصرف در بحث روشنايي، چراغ‌هاي گردسوز بوده است. اديسون براي ساخت لامپ احتياج به بودجه اي تحقيقاتي داشت ؛ لذا عده‌اي را به پشتيباني از پروژه خود دعوت نمود. اديسون توضيح مي‌داد كه ما مي‌خواهيم يك لامپ بسازيم. اين‌ها سؤال كردند: لامپ شما فتيله‌اش چه‌طوري است؟ چه فرقي با فتيله‌ چراغ‌هاي گردسوز دارد؟ مثلا جنسش فرق مي‌كند؟ ابريشم است؟ اديسون گفت: اين اصلا تو پر است، اين‌ها رفتند توي فكر كه چه‌طوري يك چيز تو پر يا يك فلز مي‌تواند روغن را از مخزن سوخت به محل اشتعال انتقال بدهد. این‌ها نتوانستند مسئله را درك كنند. اديسون بيشتر موضوع را شكافت و توضیح داد که سوختش هم نامرئی است‌. توضيح بيشتر اديسون بر ابهام‌ها افزود. در نهايت وقتی مطرح کرد که اشتعالش هم در محیط خلأ واقع می‌شود به کلی جلسه قفل شد. به هر حال، جلسه را ترک کردند و گفتند ما حرف این آقا را نمی‌فهمیم‌. حالا ممکن است بحث هاي نو و جديد انقلاب براي عده‌ای که با چراغ گردسوزِ توسعه مأنوس هستند درك نشود. بعضي در محیط توسعه پرورش يافته اند و به دنبال همان الگوهای متداول روز دنیا هستند، وقتی شما از یک چیز جدید برایشان صحبت می‌کنید شاید مسئله را درک نکنند‌. مشاهده آن اختراع در واقع دیگران را در مقابل آن مسئله تسلیم کرد.

س: شما این‌جا فکر می‌کنید چه اهرم هایی می‌تواند قضیه را پیش ببرد؟

ج: همان‌طور که شما به درستی اشاره كرديد در آن مسئله خاص می‌شد. بعضی ها هم همکاری کردند و به اديسون پولی دادند و وي توانمندي‌اش را نشان داد و آن ها فهمیدند. ولی مسئله ما ساخت یک تمدن است و مثل ساخت یک چراغ نیست. هم زمان بیشتری می‌برد، هم این‌که شما احتیاج دارید که همه را به کار بگیرید تا این تمدن ساخته بشود‌؛ لذا حتما این مسئله را باید حل کنید که جامعه علمي فهمی‌ـ ولو اجمالي‌ـ از موضوع پیدا بکند. فهم این مسئله در تئوريزه كردن الگوی پیشرفت‌ اسلامي خيلي مهم است. حالا ما هم داریم عرض می‌کنیم اصلا اصل انقلاب به دنبال ساخت یک تمدنی است‌. این‌هایی که «چراغ گردسوزی» فکر می‌کنند، این‌هایی که بر اساس ادبیات توسعه به مسئله الگو نگاه مي‌كنند، باید با این‌ها از یک مجرايی تفاهم را آغاز کنیم‌.

س: جدول موضوعات انتقال نظام داراي چند موضوع است؟

ج: 27 موضوع اصلی كه اگر محور گفتمان و موضوع بحث قرار بگیرند به «چراغ گردسوز کار»ها می‌توانند مفهوم لامپ را انتقال بدهند‌.

س:چند مورد را می‌توانید نام ببرید؟

ج: قبل از آن لازم است نکته‌ای را عرض کنم‌. پس تا اینجا بحث روشن شد.

س: بله. منتها هنوز پاسخ يك سؤال را از شما نگرفته‌ايم. اگر قرار است(بنا به گفته خودتان) همه در ساخت تمدن پايدار اسلامي مشاركت بكنند بايد زمينه‌هاي اين مشاركت ‌ـ يا به تعبيري همفكري‌ـ به درستي روشن و براي نخبگان تبيين شود؛ شرايط امروز مانند اوايل انقلاب نيست كه گفته شود بخشي از نيروهاي متخصص، تعلق خاطري به انقلاب ندارند. اكنون متخصصان متعهد بسياري هستند كه تا مقطع بالاي علمي‌ـ پژوهشي در كشور پيش رفته‌اند و تعلق خاطر هم به انقلاب و ادبيات انقلاب دارند. راهكارهايتان براي اجراي اين طرح چيست؟

ج: بله‌. شما به خوبی مسئله را تشريح کردید؛ ولی الان در داخل انقلاب جمعیت زیادی معتقد به اين انقلاب وجود دارند....كه متخصص هم هستند‌. پس ما طبیعتا باید با این نیروهاي خودی که طیف وسیعی را در بر می‌گیرند ایده جمهوری اسلامی را به صورت تفصيلي تفاهم كنيم و دیگر نمی‌توانیم بگوییم عیب از این‌هاست‌. نظريه‌پرداز -که انقلاب باشد- بايد ایده خود را روشن و تبیین نمايد و درباره آن بحث کند، بالاخره مردم پای انقلاب ایستادند، نخبگان در همین انقلاب دارند کار می‌کنند. از این جا من بخش دوم عرایضم را شروع می‌کنم‌ که عیب های خودمان را در انتقال ایده به جامعه جست‌و‌جو کنیم‌. روح بحث ما اتفاقا همین است‌. منتها نخواستیم از آن‌جا شروع کنیم.

س: ولی طرح موضوع باید بشود‌.

ج: بله‌. این در کار ما مفروض است‌. اگر خدای متعال توفیق دهد و ما تا آخر در اردوگاه انقلاب بمانیم - که من این توفیق را از خداوند می‌خواهم - بايد به اين موضوع توجه داشته باشيم. اما چگونه بايد عمل كنيم، كه ایده انقلاب برای خودی ها جا بیفتد؟ برای كساني که دلشان می‌سوزد و مؤمن‌اند. ما باید عیب خودمان را ببینیم و همين كار را هم كرديم. خیلی هم کار نداشتیم با اطرافمان که آيا دیگران حواسشان هست یا نیست‌. اول سعی کردیم عیب را در خودمان برطرف کنیم‌ و خدای متعال عنایت فرمودند (که البته همه‌اش هم عنایت خدای متعال است). به نظرما این جدول و 27 موضوع آن، اهرم‌هايي‌اند که اگر به آن‌ها بپردازیم، یک قدم درک جامعه نسبت به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی شفاف‌تر می‌شود‌. من در ادامه چند تا مثال مي‌زنم تا مسئله روشن‌تر ‌شود ولی قبل از آن لازم می‌دانم چند نکته را عرض بکنم: تا الان بحث روی این بود که کساني متوجه معنای الگو به عنوان ابزار ساختاری تمدن نيستند که ما عرض کردیم با آن‌ها دچار مشکل می‌شویم‌، ولي از اين جا روي بحث ما با كساني است كه مي دانند الگوي پيشرفت اسلامي ابزار ساخت تمدن نوين اسلامی است. وقتی ما با اين‌ دوستان وارد بحث می‌شویم طبق مطالعه میدانی‌ سه گروه با سه روش می‌خواهند این انتقال را انجام بدهند‌، یعنی این ایده را به جامعه منتقل کنند: گروه اول از ابزارهای آموزشی برای انتقال ایده محوری انقلاب و تبیین تفاوت توسعه و پیشرفت اسلامی استفاده مي كنند. ما به سه دلیل با این روش ها مخالفیم‌؛ دلیل اولمان این است که در اين موضوع، منابع پژوهشی و آموزشي مكفي وجود ندارد. بدون منابع معتبر پژوهشي و آموزشي نمي توان به سمت آموزش رفت.

س: اين يعني توقف در همان مرحله اول.

ج: بله‌. علاوه بر فقدان منابع علمي، فقدان منابع انساني متبحر در اين موضوع، مانعي براي استفاده فراگير از اين روش‌ها ست. از همه اين‌ها مهمتر اين كه جامعه علمي نيازي به الگوي پيشرفت اسلامي احساس نمي كند. چون آن را فهم نمي كند نيازي هم به آن احساس نمي كند و لذا عزم ملي در فهم آن از طريق آموزش به وجود نمي آيد. گروه دوم از شیوه‌های ترویجي و تبلیغی استفاده می‌کنند‌.اگر به ماهیت کار آن‌ها هم دقت کنید می‌بینید به طریق اولی با این روش هم نمی‌توان مسئله الگوی پیشرفت اسلامی را جا انداخت‌. شما وقتی فکری را آماده آموزش کردید، می‌توانید ترويجش کنید، معرفی‌اش کنید‌. فرض بفرمایید ما الان در خدمت شما هستیم و در قالب یک مصاحبه می‌خواهیم ایده تولید شده خودمان را که متون آموزشی اش را هم آماده کرده‌ایم ترویج کنیم‌. حالا من سؤال می‌کنم چه طور بعضی در موضوعات تحولی- یعنی موضوعاتی که منشأ تحول هستند- می‌روند و سریع همایش می‌گذارند و کارهای مصاحبه‌ای می‌کنند، و فقط همین کار را انجام می‌دهند‌!ترویجِ چه؟ مسئله‌ای که هنوز در تولیدش کار نكرده ايد؟! با مصاحبه و این‌ها ممکن است شما بتوانيد یک ضرورت را جا بیندازید ولی نمی‌توانید به سمت ساخت الگو‌ برويد. پس دليل ديگر مخالفتمان اين است كه نمي توان با همايش و مصاحبه موضوع را به شكل عميق مطرح كرد. همايش هاي يك روزه و مصاحبه هاي چند ساعته ابزار اين كار نيست. البته عده‌اي متوجه شده‌اند كه استفاده از همايش براي تبيين ماهيتِ موضوعات تحولي كار غلطي است‌. هندسه همایش‌ها ممکن است به درد طرح ضرورت موضوع بخورد ولی قطعا به درد عمیق کردن و تولید یک موضوع نمی‌خورد‌. پس ما با روش این دو دسته به دلايلي كه آمد مخالفیم و با دوستانمان در استفاده از اين ابزارها مخالفت صريح مي كنيم. الحمدلله دغدغه‌ها نسبت به اين موضوع رشد کرده است؛ این پیروزی خيلي بزرگی است که جمعیت‌هایی در درون انقلاب متوجه شده‌اند با توسعه نمی‌‌توان به سمت آرمان‌های انقلاب حرکت کرد‌. ولی همین جریان‌های دغدغه‌مند اگر از روش‌های نامناسب و ساختارهای نامناسب استفاده کنند خطر بزرگتر عدم تعميق اين موضوع اتفاق می‌افتد و بعدها مخالفان جریان الگوی پیشرفت اسلامی و طرفداران توسعه به ما می‌گویند شما تلاش کردید و نتیجه نداد‌. هر جا حضور پیدا می‌کنیم می‌گویند بیایيد همایشی بگذاریم، مقاله‌ای بنویسید، یادداشتی در فلان نشریه‌ بنويسيد. ما به مثابه ماه پرستي حضرت ابراهيم عليه السلام با دوستان همراهي و مماشات مي‌كنيم چون باید رحماء بینهم بود، ولي هميشه حرف را با صراحت مطرح می‌کنیم؛ از اول به آن‌ها گفته‌ايم که با این روش‌ها نمی‌شود به نتيجه رسيد. اما چه روشی براي انتقال اين موضوع به کار بردیم؟

س: شما در صحبت‌هایتان پيوسته از الگوی پیشرفت اسلامی‌ نام مي‌بريد. قبل از ادامه سخن بفرماييد الگوي شما چقدر مسايل بومی را مد نظر دارد؟ به نظر من مسئله ایرانیت تأثیر مبنايی روی الگوی پیشرفت اسلامی ندارد‌ و علت استعمال اصطلاح «ایرانی» در الگوی پیشرفت اسلامی‌ـ ایرانی که در ادبیات انقلاب توسط امام خامنه‌ای مطرح شده، این است که بالاخره ايرانيان در نشر و گسترش اسلام توفيق بيشتري داشته اند و اعراب توفيق نداشتند؛ با اين كه پيامبر در عربستان مبعوث شدند. اما اعراب با امامان ما مخالفت كردند و آن‌ها را شهيد كردند، خود پيغمبر را اذيت كردند؛ لذا خداي متعال توفيق نصرت و ياري دين خدا را از اعراب گرفت و به قوم ايراني منتقل كرد، نه اين كه ايرانيت در ساخت الگو يا در هر مسئله ديگري تاثير مبنايي داشته باشد. البته امام خامنه اي به صراحت فرموده‌اند و من تعجب می‌کنم چرا بعضی به این صراحت، اگر می‌خواهند آن را منتسب به ادبيات انقلاب کنند کم توجهی می‌كنند، چون ایشان فرمودند ایرانی ها پیشتاز و تولید کننده‌اش هستند‌.

س: به تعبير شهيد مطهري اسلام براي ايران و ايراني در حكم غذاي مطبوعي بود كه به حلق گرسنه اي فرو رود . طبيعت ايراني اين خوراك را جذب كرده از آن نيرو و حيات گرفت و نيرو و حيات خود را صرف خدمت به آن كرد.(خدمات متقابل اسلام و ايران- ص 577) چون شما مي‌گوييد اين طرح الگوي فراگيري در ساخت تمدن اسلامي است اين مورد مطرح شد. تمدن كشورها ممكن است در خيلي موارد اشتراكاتي داشته باشد كه در مورد مسلمانان چنين است، ولي هر كشوري ممكن است اقتضائات خاص خودش را هم داشته باشد.

ج: بله. اگر بوم را به معني شرايط عيني جغرافيايي بگيريد يا فرهنگي يا... براي همين هم متعمداً گفتم پاسخ تفصيلي را يك وقت ديگر مي‌دهم، چون مي‌خواهم به اسم بوم دامنه‌اش آن قدر وسيع نشود كه به مبنا برسد و مثلا يكي بگويد مي‌خواهيم توسعه را بومي‌سازي كنيم و الي آخر. براي همين متعمدا مي‌گويم الگوي پيشرفت اسلامي. ولي ايراني بودن آن هم در ادبيات انقلاب است، چون ايراني‌ها دارند اين كار را مي‌كنند و بحمدالله بايد اين توفيق را شكرگزار باشيم. من مسئله اصلي را در كلمه «ايراني» توفيق ايراني‌ها در ساختن اين الگو مي‌دانم؛ راجع به مسئله بوم هم اگر فرصت شد وقتي وارد بحث خود الگو مي‌شويم آن سطحش را هم معنا مي‌كنيم، ولي اگر توجه كرده باشيد اصل بحث ما اين است كه مي خواهيم گامي در مسير درك الگوي پيشرفت اسلامي برداشته شود.

س: بسيار خوب. شيوه‌هاي آموزشي و ترويجي را در مسير درك الگو نامناسب و ناكارا معرفي كرديد. شيوه مطلوب شما چيست؟

ج: روش‌ ما متخذ از جامعه‌شناسي اسلامي است. اين روش را هم نمي‌خواهم الان توضيح بدهم ولي در يك جمله مي‌توان گفت كه اگر شما بخواهيد راجع به يك موضوع تحول ايجاد كنيد جامعه‌شناسي اسلامي چگونگي ايجاد تحول را براي شما تئوريزه مي‌كند‌ـ كه در يك فرصت ديگري راجع به اين روش بايد توضيح بدهم‌ـ ولي الان فرض بگيريم ما آن روش را به كار گرفتيم. حالا من خروجي‌اش را به شما نشان مي‌دهم. ببينيد! اصلا آموزش نيست ترويج هم نيست و اتفاقا يك قدم درك ما را به مسئله الگوي پيشرفت اسلامي هم نزديك مي كند. اگر كسي درك از جامعه‌شناسي اسلامي داشت و خواست برود به سمت تحول، سه اصل را به طور اجمالي بايد رعايت كند؛ از توضيح تفصيلي مي‌گذرم. اولين اصل اين است كه با گروه هدف و مخاطبتان از جايي شروع كنيد كه مورد انكارش نباشد. انكار به چه معنا؟ يعني موضوعي را ورودي و مدخل بحثتان قرار دهيد، كه ضرورت و اولويتش مورد انكار نباشد. به عنوان مثال اگر بخواهيم با استفاده از روش جامعه شناسي اسلامي با قوه قضاييه و كادر محترم اين نهاد در مورد مسئله الگوي پيشرفت اسلامي تفاهم كنيم، بحثمان را از موضوع پيشگيري از جرم شروع مي‌كنيم. پيشگيري از جرم يكي از موضوعات انتقال نظام به مرحله الگوي پيشرفت اسلامي است. الان آن وصف اولي كه ما از روش جامعه‌شناسي اسلامي استخراج كرديم مد نظر است.

س: آيا اين يكي از 27 مورد جدول شماره يك گفتمان عدالت و پيشرفت است؟

ج: بله. يكي از 27 موضوعِ انتقال است. پيشگيري از جرم مورد انكار قوه قضائيه نيست، يعني هم ضرورتش و هم اولويتش را قبول دارند. اگر ما به قوه قضاييه بگوييم مي‌خواهيم براي پيشگيري از جرم كاري انجام بدهيم نه تنها نمي‌گويند به ما ربطي ندارد بلكه مي‌گويند اتفاقا به ما ربط دارد. اولويتش را هم قبول دارند. چون ورودي پرونده‌ها در قوه قضاييه زياد است. اصل دوم روش جامعه شناسي اسلامي اين است كه مطلع و ورودي بحث بايد قابليت ترجمه به مسئله الگوي پيشرفت اسلامي را داشته باشد. ممكن است خيلي از موضوعات از طرف مقابل مورد انكار نباشند، ولي نتوان با آن مسئله پيشرفت الگوي اسلامي را جا انداخت. اصل دوم را با مثال پيشگيري از جرم تبيين مي‌كنم. عنوان بحث با قوه قضائيه «پيشگيري از جرم» است و مي‌خواهيد مسئله الگو را با استفاده از اين موضوع تبيين كنيد. تحليل‌هاي مختلفِ پيشگيري از جرم را مطرح مي‌كنيد. مثلا تقسيم‌بندي‌هايي گفته‌اند كه پيشگيري وضعي داريم، كيفري، غيركيفري، پيشگيري اجتماعي و... ضمن اين كه بر اين تعاريف نقد مي‌زنيم (كه الان نمي‌خواهم اين كار را بكنم چون نمي‌خواهم موضوع پيشگيري را باز كنم) براساس تحليل انقلاب و اسلام پيدايش جرم را ريشه‌يابي مي‌كنيم. اسلام درباره پيشگيري چه گفته است؟ پاسخ اسلام در قالب تئوري «پيشگيري بنيادين» تئوريزه شده است. بر اساس اين تئوري اگر در سال‌هاي شكل گيري شخصيت، عواطف فرد، آموزش‌ها و رفتارهاي اوليه‌اي بر اساس آموزش هاي اسلام شكل بگيرد، اين شكل گيري شخصيت بر اين اساس ، مادر و اساس پيشگيري از جرم است. به عبارت ديگر منشأ اصلي پيدايش جرم خدشه به عواطف و آموزش‌هاي اوليه و رفتارهاست. اين خدشه در كجا شكل مي‌گيرد؟ جواب اسلام را مي‌گويم: خدشه‌هاي بنيادين به شخصيت و جايگاه شكل‌گيري صحيح شخصيت در نهاد خانواده است. ما از پيش‌گيري شروع كرديم و به نهاد خانواده رسيديم. مادر ايجاد جرم خانواده غير اسلامي است. اگر يك خانواده تضعيف شد خروجي‌اش چه مي‌شود؟ ايجاد استعداد اجتماعي براي انجام جرم. چه چبزي خانواده را تضعيف مي كند؟ يكي از اين عوامل، الگوي آموزش جامعه است. به نظر ما الگوي آموزش كنوني، ضد خانواده است. به چه بيان؟ به اين بيان كه فرد مثلا از سن 7 سالگي وارد نظام آموزشي مي‌شود تا هنگام فارغ‌التحصيلي، بخشي از دوران آموزش وي با سن ازدواجش تلاقي مي‌كند و سن ازدواج بالا مي‌رود. يعني دوران آموزشي كه تمام شد ده سال از سن ازدواج فرد گذشته است. پس نظام آموزشي خانواده را تضعيف مي‌كند؛ اين يك عامل تضعيف‌كننده. نظام آموزشي بخشي از الگوي توسعه است. نظام آموزشي متناسب با Develpment و توسعه، ضد خانواده است. البته الگوي آموزش(3) از اين حيث هم كه افراد را آماده پذيرش زندگي مشترك نمي كند خانواده را تضعيف مي كند.الگوی مصرف نيز نهاد خانواده را تضعیف می‌کند‌. به چه معنا‏؟ به این معنا که شما پس از سن آموزشی تا می‌آیید لوازم شروع یک زندگی را تأمین کنید (طبق الگوی مصرف روز جامعه) زمانی از شما می‌برد که علت تأخیر در تشكيل نهاد خانواده است‌؛ البته این الگوی مصرف فقط نقشش در تأخیر شروع زندگی نیست‌. خود زندگی هم که شروع شد پدر و مادر باید همتشان این باشد که این الگوی مصرف را تأمین کنند. تلاش برای تأمین هزینه‌های این الگوی مصرف، نقش پدر و مادری را به نقش نان‌آور مذکر و نان‌آور مؤنث خانه‌ تنزل مي‌دهد. پس الگوی مصرف هم در شروع زندگی خانوادگی اسلامی و هم در كيفيت آن مانع ایجاد می‌کند. كمترين عارضه الگوي مصرف انتقال كودكان و تربيت آن‌ها به مهدكودك است.سومين عامل تضعيف كننده خانواده الگوي توليد مدرن است. الگوي توليد جامعه نگاهش به زن اين است كه زن نيروي كار است. نگاه به زن بر اساس اولويت هاي الگوي توليد اين طور است! با اين وصف انتظار شوهرداري و همچنين مادري انتظاري فرعي است؛ البته متغير اصلي تربيت، مادر است ولي پدر هم متغير است. به هر حال «تربيت» كار پدر و مادر است ولي كار اختصاصي زن شوهرداري است كه بتواند براي مردش امنيت ايجاد و او را پايبند به خانه بكند. خانه بشود محل سكينه. يعني شما از محل كارتان با شوق به خانه برويد و بگوييد از سختي‌هاي روزانه دارم مي‌روم به محل امن؛ اين مسئله ريشه سعادت است. اگر خانه‌ها محل‌هاي امن براي بچه‌ها و پدر و مادر باشند جامعه سعادت مي‌يابد. وقتي الگوي توليد زن را نيروي كار تعريف كند شوهرداري و مادري و اين جور نقش‌ها كار فرعي مي‌شود و در نهايت هر سه عامل باعث تضعيف نهاد خانواده مي‌شود. نهاد خانواده كه تضعيف شد استعداد اجتماعي براي جرم افزايش مي‌يابد. پس ما از پيشگيري شروع كرديم ولي به مسئله ضرورت بازنگري در ساختارهاي كلان اداره جامعه رسيديم. ورودي و مدخل بحثمان پيشگيري بود، يعني مورد انكار نبود ولي در گام دوم توانستيم اين مسئله را مبنايي تحليل كنيم و توليد الگوي پيشرفت اسلامي را به عنوان لازمه پيشگيري مبنايي مطرح نماييم. البته منكر كار كوتاه‌مدت نيستيم. كار كوتاه‌مدت هم هر چه مي‌توانيم انجام مي‌دهيم، ولي بايد مبنايي الگو را تغيير داد تا بتوان پيشگيري كرد. پس اين وصف دوم موضوعات انتقال نظام است.اصل سوم روش جامعه شناسي اسلامي بر انتخاب موضوعي تأكيد دارد كه قدرت ايجاد مشاركت اجتماعي نخبگان، مسوولان و مردم نسبت به موضوع انتخاب شده در آن باشد. يعني همين الان با توان علمي حوزه، دانشگاه، مسوولان و بقيه توان‌ها بتوان بحث را شروع كرد. پس وصف سومش اين است كه آن موضوع قابليت ايجاد مشاركت داشته باشد.

س: آيا اين كار الان انجام شده است؟

ج:آن چه در جدول هست بايد مورد پردازش اجتماعي قرار بگيرد. در صورت پردازش اين موضوعات بدون استفاده از شيوه هاي ترويجي و آموزشي عزم ملي نسبت به موضوع الگوي پيشرفت اسلامي ايجاد مي شود. لازم نيست افراد با سياست هاي تشويقي و تنبيهي در كارگاه آموزشي شركت كنند. قوه قضاييه متوجه است كه اگر مسئله پيشگيري از جرم را حل نكند، چه مشكلاتي پيش مي آيد. مسئله پيشگيري از جرم يكي از محورهاي 27 گانه انتقال است. كدام انتقال؟ انتقال از بي‌دركي الگوي پيشرفت اسلامي به درك الگوي پيشرفت اسلامي! موضوعات انتقال نظام به مرحله الگوي پيشرفت اسلامي به فضل الهي براي فهم الگو ظرفيت‌سازي مي‌كنند.قوه قضائيه در جايگاهي است كه نمره نمي‌خواهد بگيرد، بلكه مي‌خواهد مثلا در اثر سياست‌هايي از ميزان پرونده‌هاي ارسالي به آن كاسته شود. پس نياز به سياست تشويقي ندارد كه روي اين موضوع بيايد. اما موضوع انتقال دانشگاه به مرحله الگوي پيشرفت اسلامي موضوع ديگري است. بانك سؤالات عدالت و پيشرفت موضوع انتقال جريان‌هاي دانشجويي است. البته اين بانك مقدمه اساسي راه‌اندازي كرسي‌هاي آزادانديشي است. من الان از شما يك سؤال مي‌كنم: آيا در ايام انتخابات يا غيرانتخابات وقتي دانشجوي ما مي‌خواهد بيايد در كرسي آزادانديشي (به آن معني كه انقلاب مد نظرش است) شركت كند، فضاي مناسب وجود دارد؟ آزادانديشي در دانشگاه بايد راه بيفتد كه راه آن كرسي هاي آزاد انديشي است. اگر كرسي‌ها راه بيفتد، دانشجو و استاد ما بدون تشويق در اين كرسي ها حضور مي يابند. وضعيت اين موضوع در دانشگاه مثل وضعيتِ پيشگيري از جرم در قوه قضائيه است. آزاد انديشي در دانشگاه ضرورت دارد، اولويت هم دارد؛ غيرقابل انكار است. با توجه به اين نياز چرا كرسي‌هاي آزادانديشي جدي گرفته نمي‌شود؟ امام خامنه‌اي مي‌گويند من صد بار گفتم ولي راه نينداخته‌اند. چرا؟ به دليل اين كه عده‌اي نمي خواهند كه اين بحث‌ها مطرح شود. مي‌خواهم دوباره برگردم عيب خودمان را بگويم؛ عيب نيروهاي انقلاب را بگويم. نيروي انقلاب مومن است، ولي ممكن است عيب هم داشته باشد. جمعيتي از نيروهاي انقلابي به دليل اين كه خودشان به ادبيات و ايده‌هاي انقلاب مسلط نيستند جرأت نمي‌كنند فضاهايي ايجاد كنند كه فكر جديد بيايد و مطرح شود، ريسك فضا را نمي‌پذيرند. چرا؟ چون ضعف در خودشان و در تسلط آن‌ها به ايده و ادبيات انقلاب است؛ حالا ما در بانك سوالاتِ عدالت و پيشرفت چگونگي جبران اين ضعف را پيشنهاد داده ايم. اين احساس ضعف باعث مي‌شود اگر جايي اختيار در دست دوستان باشد فضا را باز نكنند. امام خامنه‌اي كه به ايده و ادبيات انقلاب مسلط است و غلبه فكر اسلامي بر فكر مدرنيته را مي‌داند با شجاعت مي‌گويد اين راه را باز كنيد. امام راحل عظيم‌الشأن سر قضيه ناوهايي كه در ايام جنگ تحميلي به خليج فارس آمده بودند در پاسخ به يكي از آقايان كه گفته بود با اين ناوها چه كنيم؟ گفتند: من بودم مي‌زدم. به خاطر اين كه امام اتكال علي‌الله و حالت غنا دارند؛ نمي‌ترسند.اما نيرويي كه مي‌خواهد برود اين كار را اجرا كند مي‌گويد: آقا! آمريكا هست ها! ممكن است ابهت كفر بگيردش. در مسئله كرسي‌هاي آزادانديشي و جنگ نرم همين داستان وجود دارد. به نظر من بخش موثري از قضيه اين است. وقتي مسئله جنگ نرم و كرسي‌هاي آزادانديشي مطرح مي‌شود امام خامنه‌اي همين حالت اتكال علي‌الله را دارند. اتكالشان به معارف اسلامي و ذات لايتناهي پروردگار است، براي همين ولي خدا(4) احساس ترس ندارد، اما وقتي مسئوليت را به زيرمجموعه مي‌دهند -كه داراي ايمان كمتري است- مثلا مي‌گويند: با توسعه كه نمي‌توان درافتاد! بنابراين در زمينه علوم انساني فضا را باز نمي‌كنند. براي رفع اين مشكل ما در جدول شماره يك گفتمان عدالت وپيشرفت، بانك سوالات عدالت و پيشرفت را پيش بيني كرده ايم. بانك سوالات متولدكننده و مادر اين فضاي باز است، به صورت تمثيلي توضيح مي دهم؛ در ايام جنگ تحميلي شما سه ماه نيروهاي مردمي را در پادگان دوكوهه آموزش مي‌داديد و براي نبرد با دشمن مي‌فرستاديد. در دوران جنگ امكان استفاده از دوره‌هاي آموزشي درازمدت در آموزشكده‌هاي نظامي وجود نداشت، سه ماه آموزش و سپس حضور در ميدان جنگ. در فضاي جنگ نرم هم، «بانك سوالات عدالت و پيشرفت» دو كوهه جنگ نرم است. سه روز آموزش در اين بانك، فرد را توانمند مي‌كند تا در يك موضوع خاص با سوال انقلاب از غرب آشنا شود.(5) وقتي توانمند شد جرأت براي راه اندازي كرسي‌هاي آزادانديشي پيدا مي‌كند. در فاز صفر بانك، مثلا سوالات انقلاب از مدرنيته و از توسعه را آماده كرده‌ايم. هشتاد و يك تقسيم دارد. وقتي بانك سوالات راه‌اندازي شود يكي از خاصيت‌هايش اين خواهد بود كه نيروهاي انقلاب جرئت مي‌كنند كرسي‌هاي آزادانديشي را راه‌اندازي كنند. البته الان هم يك جمعيت‌هايي كاري با ساختارها ندارند و خودشان وارد اين عرصه شده‌اند. ما در جنگ نرم الان جنگ چريكي داريم؛ جنگ منظم نداريم. يكي از 27 موضوعي كه در جدول هست همين بانك سوالات است. بانك سوالات باعث مي‌شود شما در جنگ نرم، جنگ منظم قاعده‌مند و قابليت طراحي عمليات داشته باشيد. بانك سوالات موضوع انتقال جريان دانشجويي و آرمان خواه است.در هر كار جديدي كه شروع مي‌شود يا براي تكميل كارهاي گذشته، بايد زمان‌بندي براي دست‌يابي به نتيجه داشت و نمي‌توان زمان نامحدودي را براي پيگيري برنامه قايل شد چون ممكن است در وسط راه به دلايل مختلف سستي در جمعيتي پيدا شود. برآورد يا ارزيابي‌تان در اين زمينه چيست؟ با اتکال علی‌الله و با توسل به حضرت ولی عصرارواحنا فداه، ما همین امروز حاضریم قرارگاه موضوعات انتقال نظام را راه اندازی کنیم‌. امکانات و مقدورات و اختیاراتش باشد ما همین امروز حاضریم به فضل الهی کار را راه‌اندازی کنیم‌.

س: چه کسی باید این امکانات را در اختیار بگذارد ؟

ج: مسئله اين است كه ما الان همه نظام نيستيم. ما يك جزء ناپيدا در مجموعه نظام محسوب مي‌شويم. ما خودمان را جزو قافله مي‌دانيم؛ آرزويمان اين است كه نظام هم ما را جزو خودش حساب كند. البته الان ما را جزو مردم حساب مي‌كند. بالاخره به عنوان يك طلبه ساده حساب مي‌كند. ما جزو نيروهاي نظام محسوب مي‌شويم، جزو سياهي‌لشكر نظام، ولي آن‌هايي كه دارند تصميم‌سازي مي‌كنند همان طور كه اوايل عرايضم عرض كردم، از شيوه‌هاي آموزشي و ترويجي استفاده مي كنند.

س: تلاش شما چه بوده است؟

ج: ما هر جلسه‌اي بوده رفته ايم و بحث را توضيح داده و جدول را معرفي كرده‌ايم، ولي لوازم راه افتادنش جاي ديگر است. ما به بخش‌هايي از نظام پيشنهاد داديم و گفتيم مقدورات و اختياراتش باشد مثلا فاز صفر بانك سوالات عدالت و پيشرفت را شش ماهه راه‌ مي‌اندازيم؛ از همين امروز هم شروع مي‌كنيم. مي‌خواهم بحثمان در تبيين بحث خودمان باشد، ولي متاسفانه مي‌گويم دوستان ما در شيوه‌هاي غربي گير كرده‌اند و دنبال همين همايش‌هاي مصطلح يا همين دوره‌هاي آموزشي ‌اند و توجهي به اين مسايل ندارند. ما به آن‌ها هم صريح و بدون مداهنه گفته‌ايم؛ امروز هم عرض مي‌كنم بدون روش جامعه‌شناسي اسلامي دوستان دغدغه‌مند ما نمي‌توانند نسبت به الگوي پيشرفت اسلامي تحول ايجاد كنند و اين غفلت بزرگي است كه در آخرت بايد جوابگو باشند. البته من خيلي خوشبين هستم ، به فضل الهي خوشبين هستم و اين كه مدد الهي به مدد بيايد (كما اين كه تا الان هم آمده است) و كار با مدد الهي بر قلوب مؤمنين بنشيند. ان‌شاءالله.

س: اگر چنين نشود، چه؟ چه تصميم ديگري مي‌توانيد براي پيگيري طرحي كه مي‌گوييد در جهت ساخت تمدن اسلامي و پايداري و بقايش است، بگيريد؟

ج: خداي متعال به اندازه همين توان، ما را مؤاخذه مي‌كند، البته اين توان امداد شده است ،اصل توان هم خودش امدادي است. امداد اوليه‌اي هست. از اول تا آخرش خداي متعال امداد كرده كه بحث به اينجا رسيده است. ولي مسئله اين طور نيست كه ما كه الان اين طرح را مطرح مي‌كنيم از ارزيابي خودمان غافل باشيم. ان‌شاالله بعد از اين هم غافل نباشيم. هر جا در هر جلسه‌اي دوستان اشكالي وارد كردند بلافاصله مورد تأمل قرار داديم. جالب است بدانيد كه پيش‌نويس اوليه اين جدول سال 1387 توليد شد و الان كه به پيش‌نويس دوم نقشه راه رسيده است در واقع پيش‌نويس سيزدهم آن جدول اوليه است. يعني سيزده بار مجموعه جلسات ما منجر به اين شد كه زواياي بهتري از طرح تبيين بشود. در اين راه، خداي متعال عنايت فرمود و به بركت همين مباحثه با مؤمنين بود. هر جاي ديگر هم كسي بگويد من شيوه‌اي دارم كه آموزشي نيست يا دلايل ما را در شيوه آموزشي نقد كند مورد توجه قرار مي‌دهيم. جلسات زيادي با افراد مختلف داشته‌ايم؛ از نيروهاي اجرايي گرفته تا نيروهاي علمي محض؛ با شخصيت‌هاي مختلف در ساختارهاي مختلف از مجلس و قوه قضائيه و دولت و دانشگاه و حوزه و ... هر جا رسيده‌ايم استدلال‌ها مورد دقت قرار گرفته است. هميشه ما اين سخن را در همه جلسات مطرح كرده‌ايم كه اگر شما مي‌پذيريد با شيوه‌هاي موجود نمي‌توان كاري كرد اين، جواب خوبي نيست كه بگوييد ساختارم دستم را بسته است. مگر ساختار چه محلي از اعراب دارد؟ بايد تلاش كنيد ساختار را تغيير بدهيد. اهداف و آرمان‌ها براي ما اصل هستند. اين را امام خامنه‌اي فرمود؛ لذا نظام‌سازي ما امري تدريجي است و ساختار حكومت را اصلاح مي‌كنيم. اگر به فرض نظام رياستي 2 درجه ما را به آرمان‌هايمان مي‌رساند و نظام پارلماني دو و نيم درجه، نظام پارلماني را جايگزين مي‌كنيم. كليددار اصلي نظام مي‌گويد ساختارها اولويت ندارند و بايد به نفع آرمان‌ها تغيير كنند.

س:كليت حوزه (در حد مراجع) چقدر از اين برنامه شما حمايت مي‌كنند؟

ج: از جمله افرادي كه فضا را باز كرده‌اند و تا همين حد هم توانسته‌ايم كار را جلو ببريم بعضي از علمايي هستند كه در قم خدمتشان مي‌رسيم ولي بايد به اين موضوع توجه داشت كه به نظر من عمده اين بحث بر دوش نسل جوان حوزه است، چون آقايان زحمت كشيده‌اند و انقلاب را تا اينجا رسانده‌اند، نسل جوان بايد آن را پيش ببرد.

س: ولي شايد دانش نسل جوان به تنهايي كفايت نكند.

ج: ما بريده رفتار نمي‌كنيم و دائم گزارش كار را خدمت مراجع معظم مي‌دهيم. يعني شخص بنده تا حالا توفيق داشته‌ام كه حداقل به محضر سه مرجع تقليد گزارش بدهم. بزرگواري كردند و با اين كه ما طلبه حقيري محسوب مي‌شويم در حوزه وقت دادند و ما گزارش بحث را داديم، تشويق كردند، بعضا كمك‌هايي به مسئله كردند. ولي آن چه مسئله اصلي است (احساس بنده اين است) تا همين جاي انقلاب كه ما اين درك را داريم مديون امام راحل عظيم‌الشأن است كه مراجع و روحانيت هم كمك ايشان كرده اند؛ بنابراين ما اين موضوع را بيشتر متوجه نسل جوان حوزه به معناي يك قدم پائين تر از بزرگ‌هاي محترم حوزه مي‌دانيم. براي همين روي نسل جوان حوزه بيشتر متمركز هستيم. هر جا هم مسئله يا مشكلي باشد و بايد به محضر مراجع برويم اين كار را مي‌كنيم. البته كليت حوزه متكفل اين مسئله است. بعضي از مراجع هم درس خارج را روي مسائل حكومتي شروع كرده‌اند و همين بحث را دارند مطرح مي‌كنند. بيشتر مشكل برمي‌گردد به آن‌هايي كه متكفل آن موضوع‌اند و دائم مي‌گويند ساختار اجازه نمي‌دهد. خداي متعال فضاي انقلاب را مساعد كرده و فرصتي است كه ما به اين مسائل فكر كنيم. من به عنوان عرض آخرم مي‌گويم اين موضوع بيداري اسلامي و قيام ضد وال استريت و بحران‌هايي كه در غرب به وجود آمده است از دو حيث باز فضا را براي اين موضوع آماده كرده است. حيث اول اين‌كه با نابود شدن ديكتاتورها و معلوم شدن ناكارآمدي‌ها در بخش سياسي، اجتماعي و اقتصادي ناكارآمدي الگوهاي غربي تبيين شده است. مسئله ديگرش هم اين كه چون مستعمرات آمريكا در منطقه از دست رفته است ديگر خيلي نمي‌تواند مثل گذشته ايران را اذيت كند و اين يعني فراغت بال بيشتر براي حل اين مسائل. اين فراغت بال شكر بيشتري را هم مي‌طلبد؛ مجموعه شرايط انقلاب فضاي بسيار مناسب‌تري را براي پرداختن به اين بحث‌ها براي نيروهاي انقلاب آماده كرده است.

س: مي‌خواهيم براي حسن ختام بپرسم كه آيا رهبري در جريان فعاليت شما از ابتدا قرار گرفته‌اند؟

ج: اجمالي از بحث را به جناب آقاي صادق واعظ‌زاده به عنوان منصوب مقام معظم رهبري (مدظله العالي)در اين موضوع گزارش داده‌ايم. بهترين جايي كه توفيق شد اين گزارش را به دستگاه‌هاي منصوب امام خامنه‌اي بدهيم همين مركز الگوي پيشرفت اسلامي- ايراني است كه آقاي واعظ‌زاده مسئولش هستند.

س: اگر نكته پاياني هست بفرماييد.

ج: فقط يك نكته آن هم از باب فرمايش قرآن به نظرم مي‌آيد كه: انقلاب فرصت ايثار و قرباني كردن است، يعني آدم سعادتمند نيازها و خواسته‌هاي خودش را يكي يكي در راه آيه انقلاب سر مي‌برد، انقلاب آيه‌اي است كه خدا در عصر ما گذاشته است. آيات مختلف خدا در زمان هاي گذشته هم بوده ولي آيه‌ اجتماعي خدا در عصر مدرنيته، انقلاب اسلامي است. بايد برايش قرباني كرد، فداكاري كرد و طبق سنت خدا اگر كسي براي آن فداكاري نكند طي فرآيندي كه از مسير استدراج مي‌گذرد سنت استبدال جاري مي‌شود. اين نا شكري را اعراب زمان پيغمبر مرتكب شدند و به همين دليل خدا جمعيت‌هاي ديگري را جاي آنها گذاشت، خداوند استبدال قائل مي‌شود و ما اين توفيق را از دست مي‌دهيم. عده‌اي خيال نكنند كه تا آخر ممكن است فرصت خدمت‌گذاري براي انقلاب را داشته باشند. در دستگاه امام حسين (عليه السلام) و اهل بيت (عليهم السلام) همه چيز همين طور است. اگر شكور بوديم نعمت باقي مي‌ماند. اگر نبوديم از مسير استدراج به استبدال مي‌رسيم. اميدوارم ما خودمان را راه ببريم كه توفيقش نصيب خودمان شود.

سپاسگزاريم. ان‌شاالله در فرصتي در آينده بتوانيم پيشرفت اين طرح و برنامه را هم انعكاس بدهيم.

پي‌نوشت‌ها:

1ـ شاخص‌هاي جهاني توسعه سال 2009-(WDI)

2ـ ما حالا بايد براى شكستن اين طلسم فكر كنيم؛ كدام طلسم؟ اين طلسم كه كسى تصور كند كه پيشرفت كشور بايد لزوماً با الگوهاى غربى انجام بگيرد. اين وضعيت كاملاً خطرناكى براى كشور است. الگوهاى غربى با شرایط خودشان، با مبانى ذهنى خودشان، با اصول خودشان شكل پيدا كرده؛ به علاوه ناموفق بوده. بنده به طور قاطع اين را مي گويم: الگوى پيشرفت غربى، يك الگوى ناموفق است. امام خامنه‏‏اي(۱۳۸۶/۲/۲۵)

3ـ اين روزها هم بحث تحول در آموزش و پرورش مطرح است و سندي براي تحول ملي در آموزش و پرورش ارائه شده است. جاي سؤال دارد كه آيا تحول پيشنهاد شده متناسب با الگوي پيشرفت اسلامي است؟ چگونه اين تناسب لحاظ شده است؟ كه آن بحث ديگري را مي‌طلبد ولي اين سؤال را خوب است راجع به اين سند مطرح كنيم. مگر الگوی آموزشی هر جامعه بخشی از الگوی پیشرفت و توسعه آن جامعه نیست؟ چه طور ما كه هنوز از پیشرفت اسلامی درک متمایز از توسعه نداریم توانسته‌ایم سیستم آموزشي متناسبش را طراحی کنیم ؟ این سؤال هست، باید بعد به طور مفصل به آن پرداخت‌.

4ـ ‌ الا ان اولياء الله لا خوف عليهم و لا هم يحزنون. (سوره مباركه يونس- آيه شريفه ۶۲)

5ـ روز اول ديدگاه انقلاب را درباره آن موضوع خاصي كه آمده آموزش ببيند برايش جا مي‌اندازيم. روز دوم ديدگاه غرب را كه موازي اين ديدگاه است تبيين مي‌كنيم و روز سوم سوالاتي كه باعث مي‌شود ديدگاه غرب بر اساس ديدگاه و ادبيات انقلاب مورد چالش قرار بگيرد را مطرح مي‌كنيم؛ كارگاه سه روزه در بانك سوالات مي‌گذاريم.